



## جامعه‌شناسی سیاسی همبستگی در شرایط بحران: تحلیل تحولات اجتماعی ایران در جنگ ۱۲ روزه و پیامدهای ظرفیت‌سازی ملی

سمیه قنبری<sup>۱</sup>

### چکیده:

پژوهش حاضر با هدف تحلیل سازوکارهای همبستگی اجتماعی و فرایندهای ظرفیت‌سازی ملی در جامعه ایران طی جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل (۲۳ خرداد - ۳ تیر ۱۴۰۴) انجام شده است. چارچوب نظری تحقیق بر تلفیق نظریه همبستگی مکانیکی دورکیم، نظریه ساختار فرصت‌های سیاسی کریزی و رویکرد ظرفیت‌سازی اجتماعی لاورن-سکسی استوار است. روش‌شناسی تحقیق کیفی و مبتنی بر تحلیل اسنادی محتوایی شامل بررسی بیانه‌های رسمی، گزارش‌های رسانه‌ای و واکنش‌های اجتماعی است. یافته‌ها نشان داد که تهدید خارجی موجب فعال‌سازی سریع وجدان جمعی و ایجاد همبستگی فراطبیعی شد که طیف‌های متعارض سیاسی از مهدی کروی تا محافظه‌کاران را متحد ساخت. احیای نمادهای ملی ایرانی همچون سرود «ای ایران» و نمادهای شیر ایرانی در کنار هویت مذهبی، نقش مهمی در تقویت انسجام ملی ایفا کرد. همکاری گسترده مردم با نهادهای امنیتی و گزارش فعالیت‌های مشکوک، به شناسایی و دستگیری تعداد قابل توجهی از نفوذی‌ها و کشف مواد منفجره منجر شد که نشان‌دهنده عمق مشارکت اجتماعی و احساس مسئولیت ملی است. همچنین، سیستم‌های اقتصاد مقاومتی و شبکه‌های توزیع کالاهای اساسی کارآمدی مناسبی نشان دادند و تاب‌آوری جامعه در شرایط محدودیت ارتباطی پس از قطع اینترنت آشکار شد. با این حال، چالش‌هایی نظیر تلفات انسانی، آسیب به تأسیسات هسته‌ای، ضعف در سیستم‌های هشدار اولیه و پدافند غیرعامل، و تفاوت‌های نسلی در نگرش به بحران آشکار شد. نتیجه‌گیری پژوهش تأیید می‌کند که جامعه ایران از ذخایر عمیق همبستگی اجتماعی برخوردار است که در شرایط بحران قابل فعال‌سازی است، اما نهادهای سازش این دستاوردها مستلزم مدیریت هوشمندانه و برنامه‌ریزی بلندمدت است.

**واژگان اصلی:** همبستگی اجتماعی، ظرفیت‌سازی ملی، جنگ ۱۲ روزه، وجدان جمعی، ساختار فرصت‌های سیاسی.

## مقدمه

تحولات تاریخی معاصر نشان می‌دهد که جوامع انسانی در مواجهه با تهدیدات تمدنی، واکنش‌های بنیادی از خود نشان می‌دهند که لایه‌های عمیق ساختار اجتماعی آنها را آشکار می‌سازد. جنگ ۱۲ روزه میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی (۲۳ خرداد - ۳ تیر ۱۴۰۴) یکی از این رویدادهای تعیین‌کننده بود که فراتر از ابعاد نظامی و سیاسی، دریچه‌ای استثنایی برای مطالعه سازوکارهای عمیق همبستگی اجتماعی و ظرفیت‌سازی جمعی در جامعه ایرانی فراهم آورد.

این درگیری که با حملات هدفمند اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای، زیرساخت‌های موشکی و فرماندهی، ترور فرماندهان ارشد و دانشمندان کلیدی در قالب «عملیات شیر بر خاسته» آغاز شد، واکنش‌هایی را برانگیخت که حتی ناظران بین‌المللی را نیز شگفت‌زده ساخت. طی ۱۲ روز، جامعه ایران شاهد تحولی بود که شخصیت‌های سیاسی متعارض از جمله مهدی کروبی و زهرا رهنورد، که سال‌ها تحت نظارت خانگی بودند، تا محافظه‌کاران سرسخت، همگی در یک جبهه متحد قرار گرفتند. این پدیده که می‌توان آن را «انفجار همبستگی» نامید، نه تنها نقشه‌های دشمن را نقش بر آب کرد، بلکه چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی برای توسعه اجتماعی-سیاسی کشور ایجاد نمود.

بررسی این رویداد از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، ضرورت‌هایی دارد که فراتر از صرف ثبت تاریخی است. نخست، این تجربه نشان‌دهنده وجود ظرفیت‌های نهفته‌ای در ساختار اجتماعی ایران است که در شرایط عادی قابل مشاهده نیست اما در مواقع بحران فعال می‌شود. دوم، الگوهای همبستگی مشاهده‌شده در این دوران، کاربرد عملی نظریات کلاسیک جامعه‌شناسی را در بستر معاصر ایرانی نمایان می‌سازد. سوم، فرصت‌ها و چالش‌های ناشی از این تجربه، دانش ارزشمندی برای طراحی سیاست‌های اجتماعی آینده فراهم می‌کند.

اهمیت علمی این مطالعه در چند بعد قابل تبیین است. از منظر نظری، این پژوهش امکان آزمون و توسعه نظریات موجود در شرایط واقعی و بحرانی را فراهم می‌کند. نظریه همبستگی مکانیکی دورکیم، نظریه ساختار فرصت‌های سیاسی و رویکردهای ظرفیت‌سازی اجتماعی، همگی در این بوته آزمایش قرار می‌گیرند. از منظر تجربی، این رویداد داده‌های منحصربه‌فردی درباره تاب‌آوری اجتماعی، مکانیسم‌های انسجام ملی و فرایندهای یادگیری جمعی ارائه می‌دهد که کمتر در ادبیات جامعه‌شناسی سیاسی ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

هدف کلی پژوهش، تبیین جامعه‌شناسی سیاسی تحولات اجتماعی ایران در جنگ ۱۲ روزه با تأکید بر سازوکارهای همبستگی، فرصت‌های ظرفیت‌سازی و چالش‌های پیش‌رو است. در این راستا، اهداف

فرعی عبارتند از: شناسایی الگوهای همبستگی اجتماعی در شرایط تهدید خارجی؛ تحلیل فرایندهای ظرفیت‌سازی و یادگیری اجتماعی؛ بررسی تأثیر رویداد بر ساختار فرصت‌های سیاسی؛ و ارزیابی پیامدهای بلندمدت این تجربه برای توسعه اجتماعی ایران.

پرسش اصلی مقاله بر این محور استوار است: جنگ ۱۲ روزه چگونه بر سازوکارهای همبستگی اجتماعی ایران تأثیر گذاشت و چه فرصت‌ها و چالش‌هایی برای ظرفیت‌سازی ملی ایجاد کرد؟ پرسش‌های فرعی شامل: کدام عوامل در فعال‌سازی سریع همبستگی اجتماعی نقش داشتند؟ چه الگوهای جدیدی از مشارکت و همکاری اجتماعی ظهور کرد؟ این تجربه چگونه می‌تواند به تقویت تاب‌آوری اجتماعی در آینده کمک کند؟ هستند.

فرضیه اصلی مقاله آن است که جنگ ۱۲ روزه از طریق فعال‌سازی وجدان جمعی و تغییر ساختار فرصت‌های سیاسی، به تقویت همبستگی اجتماعی و ایجاد ظرفیت‌های جدید برای توسعه ملی منجر شد، اما همزمان چالش‌هایی را نیز آشکار ساخت که نیازمند مدیریت هوشمندانه است.

روش‌شناسی این پژوهش مبتنی بر رویکرد کیفی و استراتژی تحلیل اسنادی محتوایی است که شامل بررسی بیانیه‌های رسمی، گزارش‌های رسانه‌ای معتبر، واکنش‌های شخصیت‌های مختلف اجتماعی و سیاسی، و تحلیل محتوای فضای عمومی در بازه زمانی ۲۳ خرداد تا ۱۵ تیر ۱۴۰۴ است. تحلیل داده‌ها بر اساس تلفیق تحلیل محتوای کیفی، تحلیل گفتمان و تحلیل تطبیقی انجام شده و فرایند کدگذاری بر اساس چارچوب نظری پیش‌تعریف‌شده صورت گرفته است.

این مطالعه با تلفیق چارچوب‌های نظری همبستگی اجتماعی، ساختار فرصت‌های سیاسی و ظرفیت‌سازی اجتماعی، درک جامعی از تحولات اجتماعی ایران در این دوران حساس ارائه می‌دهد و راهکارهایی برای نهادینه‌سازی دستاوردهای حاصله پیشنهاد می‌کند.

### ۱. پیشینه تحقیق

مطالعه همبستگی اجتماعی و تأثیر رویدادهای تاریخی بر آن، سابقه‌ای طولانی در ادبیات جامعه‌شناسی دارد که ریشه در آثار بنیان‌گذاران این علم دارد. امیل دورکیم در اثر پایه‌گذار خود «تقسیم کار اجتماعی» (۱۸۹۳) مفهوم همبستگی را به عنوان عنصر کلیدی انسجام اجتماعی مطرح کرد و تمایز بین همبستگی مکانیکی و آلی را بنیان نهاد. مطالعات بعدی وی درباره خودکشی (۱۸۹۷) و اشکال ابتدایی حیات دینی (۱۹۱۲) این چارچوب نظری را گسترش داد. یافته‌های میشرای و راث (۲۰۲۰) در مطالعه همبستگی اجتماعی در دوران پاندمی کووید-۱۹ تأیید کردند که در دوران بحران، درجه همبستگی مبنای

مقاومت جوامع محسوب می‌شود.

در بستر ایران، مطالعات همبستگی اجتماعی تکوین تدریجی داشته است. علیرضا ذاکری (۱۴۰۱) در تحلیل تاریخی مفهوم همبستگی در ایران معاصر نشان داد که واژه همبستگی نسبتاً جدید است اما واژگان خانواده این مفهوم از دوره مشروطه رایج بوده‌اند. آرمان ذاکری (۱۴۰۱) یکی از چالش‌های اصلی جامعه ایران را ناتوانی در انعقاد قرارداد اجتماعی جامع دانست. رستگار خالد و همکاران (۱۳۹۳) همبستگی اجتماعی را به عنوان هماهنگی و هم‌آوایی افراد تعریف کردند. حسینی و حسینی (۱۳۹۴) نتیجه گرفتند که همبستگی اجتماعی شاخصی برای شناخت میزان وحدت و انسجام گروه است. محرابی، فرش‌چین و جوفار (۱۴۰۲) در مطالعه انسجام سرزمینی و ادراک ژئواستراتژیک ایران به عراق نشان دادند که عوامل هویتی، فرهنگی و مذهبی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری روابط میان دو کشور دارند.

نظریه‌های مربوط به ساختار فرصت‌های سیاسی نیز پیشینه قابل توجهی دارند. ایزینگر (۱۹۷۳) مفهوم فرصت سیاسی را به عنوان درجه احتمال تأثیرگذاری گروه‌های مدنی بر سیاست‌گذاری تعریف کرد. کریزی (۱۹۹۵) این مفهوم را گسترش داد و مؤلفه‌های کلیدی ساختار فرصت‌های سیاسی را شناسایی کرد. مک‌آدام و همکاران (۲۰۰۱) نشان دادند که جنبش‌های اجتماعی نه تنها نتیجه نارضایتی‌ها، بلکه حاصل تغییر در ساختار فرصت‌های سیاسی هستند.

در زمینه ظرفیت‌سازی اجتماعی، چاسکین (۲۰۰۱) ظرفیت‌سازی جامعه را فرایندی تعریف کرد که طی آن اعضای جامعه درگیر یادگیری جمعی می‌شوند. آلدریچ و میر (۲۰۱۵) و فراتحلیل کارمن و همکاران (۲۰۲۲) بر ۱۸۷ پژوهش نشان دادند که سرمایه اجتماعی نقش حیاتی در مقاومت جوامع دارد. لاورن و سکسبی (۲۰۰۱) چهار فرایند کلیدی ظرفیت‌سازی را تعریف کردند: شناسایی منابع، بسیج و سازماندهی، یادگیری و تطبیق، و نهادینه‌سازی.

مطالعات تأثیر جنگ و بحران بر جوامع نیز ادبیات گسترده‌ای دارند. کسرابی و موسوی (۱۳۹۱) در تحلیل انقلاب و جنگ ایران و عراق نشان دادند که همبستگی اجتماعی همزمان هم معلول بروز جنگ و هم علت موفقیت رزمندگان اسلام در جنگ بود. عزت‌اللهی نژاد (۱۳۹۹) در مطالعه نامه‌های رزمندگان جنگ ایران و عراق نشان داد که گفتمان غالب جنگ توجه خاصی به انسجام هویت دینی و ملی داشت. ایمانی، عیسی‌نژاد و اسدی (۱۳۹۴) در تحقیق خود درباره گردشگری مناطق جنگی نشان دادند که بازدید از مناطق جنگی زمینه‌ساز انسجام و وحدت اقوام ایرانی است.

تجربه جنگ تحمیلی ایران-عراق (۱۳۶۸-۱۳۵۹) به عنوان یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های قرن

بیستم، الهام‌بخش بسیاری از مطالعات در این زمینه بوده و نشان داده است که چگونه تهدیدات خارجی می‌توانند به تقویت هویت ملی و انسجام اجتماعی منجر شوند. جانسون و همکاران (۲۰۱۷) در تحلیل تطبیقی نشان دادند که ساختارهای نهادی و حقوقی جوامع بر میزان و نوع سرمایه اجتماعی تأثیر می‌گذارد. با وجود این پیشینه غنی، شکاف‌هایی در ادبیات موجود قابل شناسایی است. نخست، عدم وجود مطالعات جامع درباره واکنش‌های اجتماعی ایران به تهدیدات نظامی خارجی در دوران معاصر. دوم، فقدان تحلیل‌های جامعه‌شناختی از رویدادهای کوتاه‌مدت اما تأثیرگذار نظیر جنگ ۱۲ روزه. سوم، عدم کاربرد تلفیقی نظریات ظرفیت‌سازی اجتماعی در تحلیل رویدادهای تاریخی ایران. این مطالعه با تمرکز بر جنگ ۱۲ روزه و کاربرد چارچوب نظری تلفیقی، در جهت پر کردن این شکاف‌ها گام بر می‌دارد.

## ۲. چارچوب نظری

### ۲-۱. نظریه همبستگی اجتماعی دورکیم

امیل دورکیم (۱۸۹۳) همبستگی اجتماعی را «نیروی چسباننده‌ای که افراد را به یکدیگر و به جامعه متصل می‌کند» تعریف کرد و آن را مانع از فروپاشی نظم اجتماعی دانست. دورکیم دو نوع بنیادی همبستگی اجتماعی را مطرح کرد: همبستگی مکانیکی که در جوامع سستی بر اساس شباهت‌ها، ارزش‌های مشترک و وجدان جمعی قوی شکل می‌گیرد؛ و همبستگی آلی که در جوامع مدرن بر اساس تقسیم کار و وابستگی متقابل استوار است.

مفهوم وجدان جمعی که دورکیم (۱۸۹۷) آن را «مجموعه اعتقادات و احساسات مشترک میان اعضای متوسط جامعه» تعریف کرد، برای درک جنگ ۱۲ روزه اهمیت ویژه‌ای دارد. در مواجهه با تهدید خارجی، وجدان جمعی ایرانی در جهت‌های مشخصی تقویت شد: احساس مشترک تهدید و ضرورت مقاومت، تقویت ارزش‌های ملی و استقلال‌طلبی، احیای حافظه تاریخی مشترک، و تقویت احساس غرور و عزت ملی. یافته‌های میسرا و راث (۲۰۲۰) تأیید می‌کنند که بحران‌ها می‌توانند همبستگی مکانیکی و هم آلی را تقویت کنند، اما این فرایند منوط به واکنش مناسب نهادهای اجتماعی است.

نکته محوری اینجاست که دورکیم معتقد است در مواجهه با تهدیدات بیرونی شدید، مانند جنگ یا بلایای طبیعی، حتی جوامع مدرن می‌توانند موقتاً به سمت همبستگی مکانیکی بازگشت کنند. در جامعه ایران که دارای ویژگی‌های همبستگی آلی است، جنگ ۱۲ روزه نشان داد که همبستگی مکانیکی همچنان قابلیت فعال‌سازی دارد.

## ۲-۲. نظریه ساختار فرصت‌های سیاسی

نظریه ساختار فرصت‌های سیاسی که توسط مک‌آدام و همکاران (۲۰۰۱) توسعه یافت، بر این فرض استوار است که جنبش‌های اجتماعی و تحولات سیاسی نه تنها نتیجه نارضایتی‌ها، بلکه حاصل تغییر در ساختار فرصت‌های سیاسی است. کریزی (۱۹۹۵) مؤلفه‌های کلیدی این ساختار را شناسایی کرد: درجه بازبودن نظام سیاسی، ثبات ائتلاف‌های نخبگان، وجود متحدان نفوذمند، و ظرفیت دولت برای سرکوب. جنگ ۱۲ روزه تغییرات مهمی در ساختار فرصت‌های سیاسی ایران ایجاد کرد. از یک سو، فرصت‌های جدیدی شکل گرفت: تقویت مشروعیت ناشی از موفقیت در مواجهه با تهدید خارجی، شناسایی نقاط ضعف و قوت ساختاری، تقویت وحدت ملی و احساس تهدید مشترک، و ایجاد فشار برای افزایش شفافیت در دوران بحران. از سوی دیگر، برخی محدودیت‌ها نیز ایجاد شد: تقویت ابزارهای کنترل تحت عنوان ضرورت‌های امنیتی، تغییر اولویت‌ها به نفع مسائل امنیتی، و محدودسازی فضای انتقاد تحت عنوان حفظ وحدت ملی.

## ۳-۲. نظریه ظرفیت‌سازی اجتماعی

نظریه ظرفیت‌سازی اجتماعی بر این اساس استوار است که جوامع از طریق تجربه‌های مشترک، یادگیری جمعی و تقویت شبکه‌های اجتماعی، توانایی‌های خود را برای مواجهه با چالش‌ها افزایش می‌دهند. چاسکین (۲۰۰۱) ظرفیت‌سازی جامعه را فرایندی تعریف کرد که طی آن اعضای جامعه درگیر یادگیری جمعی می‌شوند.

دفتر کاهش خطر بلایای ملل متحد (۲۰۲۰) ظرفیت‌سازی را فرایندی دانست که طی آن افراد، سازمان‌ها و جامعه به طور نظام‌مند توانایی خود را برای دستیابی به اهداف اجتماعی و اقتصادی تحریک و توسعه می‌دهند. بر پایه مطالعات آهومادا و همکاران (۲۰۲۴)، ظرفیت‌سازی اجتماعی چهار مؤلفه کلیدی دارد: سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی، سرمایه نهادی، و رهبری و مدیریت. لاورن و سکسی (۲۰۰۱) چهار فرایند کلیدی ظرفیت‌سازی را تعریف کردند: شناسایی منابع و توانمندی‌ها، بسیج و سازماندهی، یادگیری و تطبیق، و نهادینه‌سازی. گل‌ریواس و کیلمر (۲۰۱۶) این فرایند را در چارچوب «تاب‌آوری جامعه» تعریف کردند و بر اهمیت چهار حوزه کلیدی تأکید کردند: توسعه اقتصادی، سرمایه اجتماعی، اطلاعات و ارتباطات، و شایستگی جامعه.

## ۴-۲. تلفیق نظریات: الگوی مفهومی تحقیق

این سه نظریه در تلفیق با یکدیگر، چارچوب جامعی برای تحلیل همبستگی و تحولات اجتماعی

ایران در جنگ ۱۲ روزه فراهم می‌کند. الگوی مفهومی تحقیق بر اساس تعامل این نظریات طراحی شده و شامل سه سطح تحلیل است:

**سطح خرد:** تحلیل واکنش‌های فردی و گروهی به بحران با تأکید بر فعال‌سازی همبستگی مکانیکی و آلی. در این سطح، وجدان جمعی به عنوان محرک اصلی همبستگی عمل می‌کند.

**سطح میانی:** تحلیل تغییرات ساختار فرصت‌های سیاسی و شکل‌گیری شبکه‌های جدید اجتماعی. در این سطح، تهدید خارجی به عنوان عامل تغییر ساختاری عمل می‌کند.

**سطح کلان:** تحلیل تحولات ساختاری و فرایندهای ظرفیت‌سازی جامعه. در این سطح، یادگیری جمعی و نهادینه‌سازی دستاوردها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

این الگوی مفهومی همچنین امکان تحلیل زمانی فرایندها را فراهم می‌کند: مرحله پیش از بحران (تحلیل زمینه‌های موجود)، مرحله طی بحران (واکنش‌های فوری و همبستگی)، و مرحله پس از بحران (تحولات ساختاری و نهادینه‌سازی).

بر اساس این چارچوب نظری، یافته‌های تحقیق در قالب الگویی منسجم تفسیر خواهند شد که نشان‌دهنده تعامل پیچیده میان همبستگی اجتماعی، فرصت‌های سیاسی و ظرفیت‌سازی است. این تلفیق نه تنها امکان تحلیل جامع رویداد جنگ ۱۲ روزه را فراهم می‌کند، بلکه چارچوبی برای درک بهتر سازوکارهای همبستگی اجتماعی در شرایط چالش‌برانگیز ارائه می‌دهد.

### ۳. بستر تاریخی رویداد

درک صحیح جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل مستلزم بررسی زمینه‌های تاریخی روابط این دو کشور است که از مودت دوران پهلوی به دشمنی عمیق پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ تبدیل شد. ایران یکی از نخستین کشورهای مسلمان بود که دولت تازه‌تأسیس اسرائیل را به رسمیت شناخت و طی دوران سلطنت پهلوی، روابط نظامی و امنیتی گسترده‌ای میان تهران و تل‌آویو برقرار بود که با انقلاب اسلامی به خصومت شدید تبدیل شد.

**زمینه‌های فوری:** یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز جنگ ۱۲ روزه، خروج یکجانبه رئیس‌جمهور دونالد ترامپ از توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ (برجام) در سال ۲۰۱۸ بود که پس از آن ایران شروع به انباشت اورانیوم غنی‌شده کرد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی عمده قابلیت نظارت بر تأسیسات هسته‌ای ایران را از دست داد. بحران خاورمیانه پس از حملات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و جنگ غزه، اسرائیل را بر آن داشت تا

گروه‌های نیابتی ایران از جمله حماس در غزه و حزب‌الله در لبنان را تضعیف کند و از رویکرد غیرمستقیم به سمت درگیری مستقیم حرکت نماید.

**پیش‌درآمد مستقیم:** در مارس ۲۰۲۵، جامعه اطلاعاتی آمریکا تأیید کرد که ایران در حال ساخت سلاح هسته‌ای نیست، اما یک ماه بعد ترامپ پیشنهاد مذاکرات داد و کاخ سفید اعلام کرد که ایران دو ماه فرصت دارد تا توافقی حاصل کند. این مهلت در ۱۲ ژوئن ۲۰۲۵ منقضی شد و همان روز، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قطعنامه‌ای تصویب کرد که برای نخستین بار از سپتامبر ۲۰۰۵ اعلام کرد ایران تعهدات هسته‌ای خود را نقض کرده است.

**مرحله آغازین (۱۵-۱۳ ژوئن / ۲۵-۲۳ خرداد):** جنگ در ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ با حملات غافلگیرانه اسرائیل علیه فرماندهان ارشد نظامی، دانشمندان هسته‌ای و موشکی، و تأسیسات نظامی و هسته‌ای کلیدی در ایران آغاز شد. اسرائیل این حملات را «پیشگیرانه» توصیف کرد و ادعا کرد که ایران بیش از هر زمان دیگری به دستیابی به سلاح هسته‌ای نزدیک شده است. مجتمع غنی‌سازی سوخت نطنز که بخش روی زمینی آزمایشگاه غنی‌سازی سوخت نابود شد و در مجتمع هسته‌ای اصفهان، چهار ساختمان شامل آزمایشگاه شیمی مرکزی، کارخانه تبدیل اورانیوم، کارخانه تولید سوخت راکتور تهران و تأسیسات پردازش فلز اورانیوم غنی شده آسیب دیدند.

**مرحله تشدید (۲۱-۱۶ ژوئن / ۲۶ خرداد - ۱ تیر):** ایران با پرتاب موشک علیه شهرها و مواضع نظامی اسرائیل تلافی کرد. بر اساس اعلام ارتش اسرائیل، ایران حدود ۵۵۰ موشک بالستیک و ۱۰۰۰ پهپاد علیه اسرائیل شلیک کرد. بر اساس آمار مقامات ایرانی، بیش از ۶۱۰ نفر در حملات اسرائیلی جان باختند و ۴۷۴۶ نفر زخمی شدند. در مقابل، بمباران تلافی‌جویانه ایران ۲۸ کشته در اسرائیل به همراه داشت که نخستین نفوذ موفقیت‌آمیز تعداد قابل توجهی از موشک‌های ایرانی از سامانه پدافند هوایی اسرائیل محسوب می‌شد.

**ورود آمریکا (۲۲ ژوئن / ۱ تیر):** پس از هشت روز درگیری، آمریکا که از ابتدا با ساقط کردن موشک‌ها و پهپادهای ایرانی از اسرائیل دفاع می‌کرد، اقدام تهاجمی انجام داد و سه مجتمع هسته‌ای ایران را مورد حمله قرار داد. آمریکا از دوازده بمب نافذ عظیم برای ضربه به سالن‌های ساترفیوژ زیرزمینی استفاده کرد. ایران با ضربه زدن به پایگاه هوایی آمریکا در قطر پاسخ داد.

**مرحله پایانی و آتش‌بس (۲۴-۲۳ ژوئن / ۳-۲ تیر):** دونالد ترامپ در شب ۲۳ ژوئن آتش‌بس کاملی اعلام کرد که در ۲۴ ژوئن ۲۰۲۵ ساعت ۰۴:۰۰ به وقت گرینویچ رسماً آغاز شد. این آتش‌بس

حاصل تلاش‌های دیپلماتیک گسترده به میانجیگری قطر و آمریکا بود، هرچند از ابتدا شکننده به نظر می‌رسید.

**پیامدهای کلی:** رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل اعلام کرد که برنامه هسته‌ای ایران آسیب «سیستمی» دید و سال‌ها عقب افتاد. در مقابل، ایران توانایی تلافی تحت آتش را نشان داد و آسیب گسترده‌ای به شهرهای بزرگ اسرائیل وارد کرد. قیمت نفت پس از آتش‌بس بیش از ۷ درصد کاهش یافت و وزیر خارجه ایران تأیید کرد که تأسیسات هسته‌ای ایران «به شدت آسیب دیده» است. با این حال، کارشناسان می‌گویند ایران ممکن است هنوز ظرفیت هسته‌ای قابل توجهی داشته باشد زیرا پیش از حملات، بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم با غنای بالای ۶۰ درصد داشت.

#### ۴. تحلیل یافته‌ها

##### ۴-۱. الگوهای همبستگی اجتماعی

##### ۴-۱-۱. فعال‌سازی شتابان وجدان جمعی: از تهدید به انسجام

آغاز «عملیات شیر برخاسته» اسرائیل در ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ با حملات همزمان به تأسیسات هسته‌ای نطنز و اصفهان، ترور فرماندهان ارشد نظامی و دانشمندان هسته‌ای کلیدی، فرایند فعال‌سازی وجدان جمعی ایرانی را با سرعت و عمق بی‌سابقه‌ای به راه انداخت. بر اساس نظریه دورکیم، تهدید وجودی خارجی به عنوان کاتالیست اصلی، مجموعه اعتقادات و احساسات مشترک میان اعضای جامعه را از حالت نهفته به فعال تبدیل کرد.

نکته تحلیلی کلیدی اینجاست که این فعال‌سازی در جامعه ایران نه به شکل خطی، بلکه به صورت انفجاری و چندلایه رخ داد. لایه نخست شامل واکنش غریزی دفاع از سرزمین و هویت ملی، لایه دوم احیای حافظه تاریخی مقاومت در برابر تهاجم، و لایه سوم بازسازی معنای مشترک از تعلق به تمدن ایرانی-اسلامی بود. این سه لایه به طور همزمان فعال شدند و قدرت تقویت‌کننده متقابل ایجاد کردند. سرعت این فعال‌سازی قابل توجه است: طی کمتر از ۲۴ ساعت از آغاز حملات، طیف وسیعی از شخصیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی واکنش‌های همسو نشان دادند. مهدی کروبی و زهرا رهنورد<sup>۲</sup> که بیش از ۱۵ سال تحت نظارت خانگی بودند، برای نخستین بار پس از سال‌ها سکوت، به‌طور جداگانه

1. <https://www.tabnak.ir/fa/news/1311489>

2. <https://ensafnews.com/597422>

پیام و بیانیه‌ای در محکومیت تجاوز خارجی صادر کردند. این واکنش نشان‌دهنده غلبه موقت هویت ملی بر تقسیمات سیاسی داخلی است.

#### ۴-۱-۲. همگرایی فراطیفی: از تضاد به تعامل

یکی از معنادارترین یافته‌های این پژوهش، تشکیل ائتلاف ضمنی فراطیفی است که برخلاف تمام پیش‌بینی‌های تحلیل‌گران داخلی و خارجی، طیف‌های معمولاً متعارض سیاسی را در یک جبهه واحد قرار داد. این پدیده که می‌توان آن را «همگرایی در شرایط بحران» نامید، فراتر از صرف موافقت سیاسی، بازتاب عمیق‌تری از ساختار اجتماعی ایران ارائه می‌دهد.

انجمن نویسندگان ایران در بیانیه‌ای که نمونه بارز این همگرایی محسوب می‌شود، با محکوم کردن «تجاوز آشکار اسرائیل به خاک ایران» اعلام کرد: «حق هر ملتی است که مقابل تجاوز به خاک خود بایستد». این بیانیه نشان‌دهنده تفکیک هوشمندانه میان نقد داخلی و دفاع از حاکمیت ملی است - پدیده‌ای که در ادبیات جامعه‌شناسی سیاسی به «دوگانگی انتقاد-دفاع» معروف است.

تحلیل محتوای بیانیه‌ها و مواضع عمومی نشان می‌دهد که این همگرایی بر اساس سه محور اصلی شکل گرفت: محور هویتی (تعلق به تمدن ایرانی)، محور حاکمیتی (دفاع از استقلال ملی)، و محور انسانی (محکومیت کشتار غیرنظامیان). این سه محور توانست اختلافات فرعی را به حاشیه براند و نقطه اتکای مشترک ایجاد کند.

#### ۴-۱-۳. مشارکت عمومی در امنیت ملی: از انفعال به فعالیت

یکی از شاخص‌های کلیدی عمق همبستگی اجتماعی، تبدیل شهروندان از مشاهدگر منفعل به مشارکت‌کننده فعال در امنیت ملی بود. بر اساس اظهارات سردار احمدرضا رادان، فرمانده کل انتظامی کشور، همکاری گسترده مردم با سامانه ۱۱۰ و گزارش فعالیت‌های مشکوک، نقش تعیین‌کننده‌ای در خشی‌سازی توطئه‌های دشمن داشت.<sup>۱</sup>

#### نمونه‌های مستند عملکرد:

- کشف مقادیر قابل توجه مواد منفجره در استان البرز با اطلاع‌رسانی دقیق مردم<sup>۲</sup>
- کشف بیش از ۱۰۰۰ ریزپرنده در تهران<sup>۳</sup> و مکان تولید پهپاد در صالحیه با گزارش

1. <https://baangnews.net/24439>

2. <https://www.alef.ir/news/4040325082.html>

3. <https://fa.abna24.com/news/1698420>

شهروندان<sup>۲</sup>

- شناسایی خودروهای حامل تجهیزات مشکوک و دستگیری چندین شبکه خرابکاری در استان‌های مختلف با هوشیاری مردم<sup>۳</sup>

همکاری گسترده و داوطلبانه مردم با مراجع انتظامی و امنیتی در شناسایی و خشی‌سازی اقدامات ضدامنیتی، نشان‌دهنده تحول کیفی در رابطه مردم-دولت است. شهروندان از حالت انتظار محافظت به حالت مشارکت فعال در تأمین امنیت تغییر یافتند. این پدیده که در ادبیات علمی به «تحول از امنیت برای مردم به امنیت توسط مردم» شناخته می‌شود، نشان‌دهنده بلوغ آگاهی اجتماعی است.

#### ۴-۱-۴. احیای نمادین: از فراموشی به فعالیت

یکی از قابل توجه‌ترین یافته‌های تحقیق، احیای خودجوش نمادهای ملی ایرانی است که پیش‌تر در سایه تنش‌های سیاسی کم‌رنگ شده بود. سرود «ای ایران» که دهه‌ها کمتر در مراسم رسمی استفاده می‌شد، ناگهان در مساجد، حسینیه‌ها و تجمعات مردمی طنین‌انداز شد. نماد شیر ایرانی در کنار پرچم جمهوری اسلامی در دیوارنگاری‌های شهری ظاهر شد.

این احیای نمادین نشان‌دهنده تحول مهمی در هویت جمعی ایرانیان است. بر خلاف تضاد مفروض میان هویت ملی و مذهبی، شاهد تلفیق خلاقانه‌ای بودیم که رهبر معظم انقلاب نیز در دیدار روی ۲۵ تیرماه ۱۴۰۴ رئیس و مسئولان عالی قوه قضائیه و رؤسای دادگستری‌های سراسر کشور بر آن تأکید کردند. این تأکید اما مسبوق به سابقه بوده و به‌عنوان نمونه ایشان در ۱۲ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲ در دیدار با معلمان خاطر نشان ساخته بودند «وقتی مفاخر ملی و عزت تاریخی وقتی به نوجوان و جوان نشان داده شود در او احساس عزت به وجود می‌آید»<sup>۵</sup>.

#### ۴-۱-۵. همبستگی در شرایط ارتباطی محدود: استقلال از فناوری

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد همبستگی مشاهده‌شده در جنگ ۱۲ روزه، استمرار آن در شرایط محدودیت ارتباطی بود. پس از قطع یا محدودسازی اینترنت بین‌المللی، همبستگی اجتماعی نه تنها کاهش نیافت، بلکه به اشکال سستی‌تر و عمیق‌تر ادامه یافت.

1. <https://www.tabnak.ir/fa/news/1313218>
2. <https://www.mashregnews.ir/news/1724730>
3. <https://www.hamshahronline.ir/news/956045>
4. <https://www.hamshahronline.ir/news/956045>
5. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=52723>

مساجد و حسینیه‌ها که پیش‌تر عمدتاً کارکردهای مذهبی داشتند، به مراکز هماهنگی اجتماعی و نقاط اتصال جامعه تبدیل شدند.<sup>۱</sup> شهروندان برای دریافت اطلاعات، هماهنگی کمک‌رسانی، و حتی سازماندهی بازرسی محلی به این مراکز مراجعه می‌کردند.<sup>۲</sup> این پدیده نشان‌دهنده استقلال نسبی همبستگی اجتماعی ایرانی از فناوری مدرن است.

#### ۴-۱-۶. همبستگی طبقاتی: از نابرابری به تعامل

یکی از نتایج قابل تأمل، کاهش موقت فاصله‌های طبقاتی در شرایط بحران بود. گزارش‌هایی از باز کردن درب خانه‌های اقشار مرفه به روی آوارگان، اسکان داوطلبانه خانوارها در منازل شخصی، و تشکیل شبکه‌های حمایتی محله‌ای نشان می‌دهد که تهدید مشترک توانست موقتاً مرزهای طبقاتی را کاهش دهد. روزنامه شرق در همین رابطه گزارشی در ۳۱ خرداد منتشر کرده که در آن آمده است: «همسایه‌ای از شهر می‌رود و کلید خانه‌اش را به همسایه می‌سپارد... دختر نوجوان همسایه که بیش از سه کلید در دست داشت می‌گفت کلیددار این خانه‌ها شده‌ام، دیگری می‌گفت من باید غذای گربه‌های چند دوست را بدهم. عده‌ای هم خودخواسته در خدمت کهنسالان و بیماران هستند».<sup>۳</sup>

این تصویر نشان‌دهنده فعال‌سازی سرمایه اجتماعی نهفته در جامعه ایران است. شبکه‌های حمایتی که در شرایط عادی غیرفعال بودند، در موقعیت بحران به سرعت احیا شدند و نقش حیاتی در تاب‌آوری جامعه ایفا کردند.

#### ۴-۱-۷. تحلیل داده‌ای عمق همبستگی

مرکز تحلیل داده‌های پلیس، بررسی جامعی روی شبکه‌های اجتماعی انجام داد که یافته‌های آن به شکل علمی عمق همبستگی اجتماعی در ایران و تأثیر آن بر طرف مقابل را نشان می‌دهد. نتایج نشان داد که ترس و وحشت در میان نیمی از کاربران شبکه‌های صهیونیستی گسترش یافته، در حالی که در فضای رسانه‌ای ایران، وحدت، همدلی و شور ملی میان مردم مشهود است.<sup>۴</sup>

این یافته تحلیلی مهم از دو جهت قابل تأمل است: نخست، نشان‌دهنده کارآمدی همبستگی اجتماعی ایران در ایجاد بازدارندگی روانی در طرف مقابل است. دوم، اثبات می‌کند که همبستگی مشاهده‌شده نه صرفاً پدیده‌ای سطحی، بلکه تحولی عمیق در وجدان جمعی بوده که حتی در فضای

1. <https://nehzat.ir/podcast/81>
2. <https://snn.ir/fa/news/1277391>
3. <https://www.asriran.com/fa/news/1070354>
4. <https://www.alef.ir/news/4040325082.html>

مجازی نیز قابل اندازه‌گیری است.

#### ۴-۱-۸ تقویت متقابل همبستگی‌های مکانیکی و آلی

برخلاف نظریه کلاسیک دورکیم که همبستگی مکانیکی و آلی را تا حدودی متضاد می‌دانست، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در شرایط بحران، این دو نوع همبستگی می‌توانند همزمان فعال شوند و یکدیگر را تقویت کنند. همبستگی مکانیکی از طریق احیای ارزش‌های مشترک، نمادهای ملی و احساسات جمعی، و همبستگی آلی از طریق تقسیم کار اجتماعی در مقابله با تهدید، هماهنگی نهادی و تخصص‌گرایی در مواجهه با چالش‌ها فعال شدند.

این تلفیق نشان می‌دهد که جامعه ایران از انعطاف‌پذیری ساختاری قابل توجهی برخوردار است که امکان بهره‌گیری از انواع مختلف همبستگی را بسته به نیاز موقعیت فراهم می‌کند. این یافته‌ها نه تنها برای درک جامعه ایران، بلکه برای توسعه نظریه همبستگی اجتماعی در شرایط بحران اهمیت دارد.

#### ۴-۲. فرصت‌های شناسایی شده

##### ۴-۲-۱. کشف ظرفیت‌های نهفته اجتماعی: از بالقوه به بالفعل

جنگ ۱۲ روزه به عنوان یک آزمایشگاه طبیعی، توانست ظرفیت‌های اجتماعی عمیق جامعه ایران را که تا پیش از این در حالت نهفته قرار داشتند، به طور شگفت‌انگیزی آشکار سازد. بر اساس چارچوب نظری لاورن و سکسی، فرایند شناسایی منابع و توانمندی‌ها در کمترین زمان ممکن و با حداکثر کارآمدی تحقق یافت.

##### سازماندهی خودجوش کمک‌های مردمی

یکی از نمادین‌ترین مظاهر این کشف، نقش برجسته قرارگاه‌های مردمی پشتیبانی از جنگ تحمیلی و سازماندهی خدمات خیرین و نیکوکاران و قراگاه‌های جهادی سازماندهی شتابان خدمات امدادسانی بود.<sup>۱</sup> این گروه‌ها که از دل مردم و با هدف خدمت‌رسانی شکل گرفته بودند، با سازماندهی نیروهای داوطلب در خط مقدم امدادسانی به مناطق آسیب‌دیده وارد عمل شدند. قرارگاه‌های جهادی با توزیع اقلام ضروری مانند غذا، آب، دارو و سرپناه موقت، نیازهای اولیه مردم را تأمین کردند و همزمان جوانان جهادی با حضور در کنار نیروهای نظامی، به پشتیبانی لجستیکی و انتقال تجهیزات کمک کردند. در مناطقی که زیرساخت‌های ارتباطی و جاده‌ای تخریب شده بود، این گروه‌ها با استفاده از امکانات محلی و ابتکارات

1. <https://www.irna.ir/news/85870782>

خود، مسیرهای جایگزین برای رساندن کمک‌ها ایجاد کردند.<sup>۱</sup> حضور گسترده زنان و کودکان در فعالیت‌های جهادی، تبدیل مساجد و بازارها به مراکز جمع‌آوری کمک، و تشکیل گروه‌های خودجوش مردمی در سراسر کشور، نشان‌دهنده عمق سرمایه اجتماعی و ظرفیت خودسازماندهی موجود در جامعه ایران است.

این پدیده که می‌توان آن را «فعال‌سازی شتابان سرمایه اجتماعی» نامید، در سه سطح متمایز رخ داد: سطح محلی (همسایگان و محله‌ها)، سطح شهری (مساجد و حسینیه‌ها به عنوان مراکز هماهنگی)، و سطح ملی (سازمان‌های مردم‌نهاد و شبکه‌های گسترده). این سه سطح نه تنها به طور مستقل فعال شدند، بلکه تعامل سازنده‌ای نیز میان آنها برقرار شد.

### کشف توان خودسازماندهی اجتماعی

یافته مهم دیگر، کشف توان خودسازماندهی جامعه ایران بدون نیاز به دستورات متمرکز یا نظارت بالا به پایین بود. مردم به شکل خودجوش پروتکل‌های امنیتی محلی تدوین کردند، شبکه‌های اطلاع‌رسانی ایجاد نمودند، و سیستم‌های پشتیبانی برای ابقشار آسیب‌پذیر راه‌اندازی کردند. این توان که در ادبیات جامعه‌شناسی به «خودسازماندهی انطباقی» معروف است، نشان‌دهنده بلوغ اجتماعی قابل توجه است.

### نمونه‌های مستند این خودسازماندهی:

- تشکیل گروه‌های محلی برای ایجاد پست‌ها بازرسی و نظارت بر فعالیت‌های مشکوک<sup>۲</sup>
- تشکیل گروه‌های کمک مردمی و اسکان رایگان هموطنانی که در اثر حمله، نیاز به اسکان موقت و تأمین مایحتاج داشتند<sup>۳</sup>
- ایجاد شبکه‌های ارتباطی جایگزین در شبکه ملی اطلاعات پس از قطع اینترنت<sup>۴</sup>
- سازماندهی تناوبی برای مراقبت از کهنسالان و بیماران
- تشکیل کمیته‌های محله‌ای برای توزیع عادلانه کالاهای اساسی در شهرهای شمالی کشور<sup>۵</sup>

### ۴-۲-۴. فرصت‌های نوسازی حکمرانی: از بحران به بهبود

بر اساس نظریه ساختار فرصت‌های سیاسی کریزی، جنگ ۱۲ روزه تحولات بنیادی در ساختار

1. <https://basijnews.ir/fa/news/9697654>

2. <https://www.mehrnews.com/news/6504716>

3. <https://www.irna.ir/news/85866079>

4. <https://ana.ir/fa/news/979695>

5. <https://www.irna.ir/news/85870782>

فرصت‌های سیاسی ایران ایجاد کرد که امکان نوسازی الگوهای حکمرانی را فراهم آورد. این تحولات در چهار حوزه کلیدی قابل شناسایی است:

### تقویت مشروعیت عملکردی

نخستین فرصت، تقویت مشروعیت عملکردی نظام سیاسی ایران ناشی از موفقیت نسبی در مدیریت بحران بود. عملکرد مناسب سیستم‌های تأمین کالاهای اساسی، حفظ نسبی زنجیره‌های توزیع، و قابلیت ادامه تولید در شرایط تحریم و جنگ، نشان داد که ساختارهای اقتصاد مقاومتی که طی سال‌ها توسعه یافته‌اند، در آزمون عملی موفق عمل کرده‌اند.

سیستم نان که از سال ۱۴۰۱ راه‌اندازی شده بود، یکی از بارزترین نمونه‌های این موفقیت بود. این سیستم نه تنها در تأمین نیازهای اساسی مردم موفق عمل کرد، بلکه قابلیت‌های مدیریت منابع، کنترل توزیع، و جلوگیری از احتکار را نیز به خوبی نشان داد. این عملکرد فرصت بی‌نظیری برای گسترش مدل‌های مشابه در سایر بخش‌های اقتصادی فراهم کرد.

### شناسایی نقاط قوت و ضعف ساختاری

دومین فرصت، شناسایی دقیق نقاط قوت و ضعف ساختاری در شرایط استرس عملیاتی بود. بحران همچون یک «اسکن کامل» عمل کرد که نشان داد کدام بخش‌ها و سازمان‌ها از کارآمدی لازم برخوردارند و کدام‌ها نیاز به بازسازی دارند. این شناسایی، بر خلاف ارزیابی‌های نظری، بر اساس عملکرد واقعی و قابل اندازه‌گیری صورت گرفت.

### نقاط قوت شناسایی شده:

- کارآمدی سیستم‌های تأمین کالاهای اساسی
- تاب‌آوری سیستم توزیع سوخت
- عملکرد مناسب اغلب شبکه‌های بانکی و پرداخت
- قابلیت تحمل سیستم‌های حمل و نقل عمومی
- توان بالای سازماندهی اجتماعی محلی

### نقاط ضعف آشکار شده:

- کمبود سیستم‌های هشدار اولیه

1. <https://www.eghtesadonline.com/fa/news/2066322>

- نقص در پدافند غیرعامل تأسیسات حیاتی
- ضعف در ارتباطات اضطراری
- فقدان پناهگاه‌های عمومی استاندارد

### ایجاد فضای مطالبه‌گری سازنده

سومین فرصت، ایجاد فضای مطالبه‌گری سازنده از سوی مردم بود که برخلاف دوره‌های عادی، در قالب همکاری برای بهبود و نه تقابل صورت گرفت. شهروندان که تجربه مشارکت فعال در امنیت ملی را داشتند، انتظارات معقول‌تری از نهادهای دولتی داشتند و به شکل سازنده‌تری مطالبات خود را مطرح کردند. این تحول در رابطه مردم-دولت، فرصت مناسبی برای توسعه سازوکارهای مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امنیت ملی و آمادگی برای بحران فراهم کرد. همچنین، زمینه‌ای برای شفافیت بیشتر در عملکرد دستگاه‌های اجرایی و پاسخگویی مؤثرتر ایجاد شد.

### ۲-۳. فرصت گفتگوی ملی فراجناحی: از تفرقه به تعامل

یکی از بی‌نظیرترین فرصت‌های شناسایی‌شده، امکان ایجاد گفتگوی ملی فراجناحی بود که بر اساس تجربه مشترک مقاومت در برابر تهدید خارجی شکل گرفت. این فرصت که آرمان‌داری آن را «انعقاد قرارداد اجتماعی جامع» نامیده بود، برای نخستین بار پس از دهه‌ها به شکل عملی و قابل دسترس نمایان شد.

### بازتعریف اولویت‌های ملی

تجربه مشترک جنگ ۱۲ روزه، زمینه‌ای برای بازتعریف اولویت‌های ملی فراهم کرد که فراتر از تقسیمات جناحی باشد. مسائلی چون امنیت ملی، استقلال اقتصادی، تاب‌آوری اجتماعی، و حفظ حاکمیت به عنوان اولویت‌های مشترک پذیرفته شدند که امکان تعامل سازنده طیف‌های مختلف سیاسی را فراهم کرد.

این بازتعریف نه تنها در سطح نخبگان، بلکه در سطح عمومی جامعه نیز رخ داد. مردم تجربه کردند که منافع ملی از اولویت بالاتری نسبت به اختلافات فرعی برخوردار است و این درک زمینه‌ای برای اجماع‌سازی آتی در مسائل کلان کشور فراهم کرد.

### تقویت ظرفیت گفتگوی ملی

فرصت دیگر، تقویت ظرفیت گفتگوی ملی بود که طی دهه‌ها تضعیف شده بود. تجربه همکاری موفق در شرایط بحران، نشان داد که امکان تعامل سازنده میان طیف‌های مختلف وجود دارد و اختلافات قابل حل‌اند. این تجربه، اعتماد لازم برای گفتگوهای آتی را ایجاد کرد.

برای پایدارسازی این وحدت، ضروری است تا نهادهای دموکراتیک تقویت شوند، و گفتگوهای ملی بین دولت، احزاب، گروه‌های اجتماعی و قومی و حتی اپوزیسیون غیربرانداز آغاز شود. این توصیه نشان‌دهنده درک عمیق از فرصت ایجادشده است.

#### ۴-۲-۴. ظرفیت‌سازی فرهنگی و هویتی: از تجزیه به تلفیق

یکی از قابل توجه‌ترین فرصت‌های شناسایی‌شده، ظرفیت‌سازی فرهنگی و هویتی بود که بر اساس تلفیق موفق عناصر ملی و مذهبی شکل گرفت. این تلفیق که پیش‌تر موضوع تنش و تضاد بود، در جنگ ۱۲ روزه به شکل خلاقانه و هماهنگ تحقق یافت.

#### احیای نمادهای ملی در بستر دینی

احیای سرود «ای ایران» در مساجد و حسینیه‌ها، استفاده از نماد شیر ایرانی در کنار نمادهای مذهبی، و تأکید رهبری بر «مفاخر ملی» و «عزت تاریخی»، نشان داد که امکان تلفیق متعادل هویت ایرانی-اسلامی وجود دارد. این تلفیق نه تنها تضاد ایجاد نکرد، بلکه قدرت تقویت‌کننده متقابل داشت.

این پدیده فرصت مناسبی برای بازتعریف روایت ملی فراهم کرد که همه اقوام و گروه‌های اجتماعی را در برگیرد. از این رو، وجدان جمعی باید به گونه‌ای شکل گیرد که تمام اقوام و گروه‌های اجتماعی را شامل شود.

#### تقویت سرمایه اجتماعی چندبعدی

تجربه جنگ ۱۲ روزه موجب تقویت سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف شد. در سطح خانوادگی، روابط صمیمانه‌تری شکل گرفت و خانواده‌ها کمتر وقت صرف تعاملات مجازی و بیشتر وقت صرف ارتباطات واقعی کردند. در سطح محله‌ای، همسایگان که پیش‌تر کمتر با یکدیگر در تعامل بودند، شبکه‌های حمایتی قوی تشکیل دادند.

در سطح ملی، احساس تعلق و مسئولیت اجتماعی به طور قابل توجهی تقویت شد. مردم تجربه کردند که بخشی از یک کل بزرگ‌تر هستند و عملکرد آنها در امنیت و رفاه جمعی تأثیرگذار است. این تجربه، زمینه‌ای برای تاب‌آوری بیشتر در مواجهه با چالش‌های آینده فراهم کرد.

#### ۴-۲-۵. فرصت‌های اقتصادی و توسعه‌ای: از بحران به بهبود

عملکرد نسبتاً مطلوب اقتصاد ایران در طول جنگ ۱۲ روزه، فرصت‌های متعدد اقتصادی و توسعه‌ای

1. <https://ensafnews.com/598919>

را آشکار ساخت که پیش از این کمتر مورد توجه قرار گرفته بود.

### اثبات کارآمدی اقتصاد مقاومتی

پایداری سیستم‌های توزیع سوخت و تأمین کالاهای اساسی، حفظ زنجیره‌های توزیع، و توانایی ادامه تولید در شرایط تحریم و جنگ، کارآمدی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را تأیید کرد. سال‌ها سرمایه‌گذاری بر خودکفایی، کاهش وابستگی به واردات، و تقویت تولید داخلی، در این آزمون عملی نتایج ملموسی نشان داد.

این موفقیت، فرصت مناسبی برای گسترش مدل اقتصاد مقاومتی به سایر بخش‌های اقتصادی فراهم کرد. همچنین، اعتماد عمومی به تولیدات داخلی افزایش یافت و زمینه‌ای برای حمایت پایدار از تولیدکنندگان محلی شکل گرفت.

### شناسایی اولویت‌های توسعه‌ای

بحران ناشی از جنگ ۱۲ روزه فرصت بی‌نظیری برای شناسایی اولویت‌های حقیقی توسعه فراهم آورد. اهمیت بخش‌هایی چون انرژی، ارتباطات، حمل‌ونقل، و بهداشت به وضوح نمایان شد. همچنین، ضرورت توسعه فناوری‌های دفاعی، تقویت قابلیت‌های تحقیق و توسعه، و ایجاد صنایع راهبردی به عنوان اولویت‌های کلان شناسایی شدند.

حملات اسرائیل به قیمت نفت که موجب افزایش ۷ تا ۱۱ درصدی قیمت‌ها شد، نشان داد که اقتصاد ایران همچنان از قدرت تأثیرگذاری بر بازارهای جهانی برخوردار است. این واقعیت، فرصت‌های جدیدی برای دیپلماسی اقتصادی و بهره‌گیری از مزیت‌های ژئوپلیتیکی فراهم کرد.

### ۶-۲-۴. فرصت‌های بین‌المللی: از انزوا به تأثیرگذاری

به‌رغم فشارهای سنگین و تحریم‌های گسترده، ایران در جنگ ۱۲ روزه توانست فرصت‌های بین‌المللی قابل توجهی کسب کند که جایگاه منطقه‌ای و جهانی آن را تقویت کرد.

### اثبات قدرت بازدارندگی

برای نخستین بار در تاریخ معاصر، ایران توانست آسیب مستقیم و ملموس به خاک اسرائیل وارد کند. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، ایران دست‌کم ۵۵۰ موشک بالستیک و ۱۰۰۰ پهپاد علیه اسرائیل شلیک کرد که بخش قابل توجهی از آنها توانستند از سامانه پدافند هوایی پیشرفته اسرائیل عبور کنند.

این عملکرد نه تنها قدرت نظامی ایران را نشان داد، بلکه قابلیت بازدارندگی آن را نیز تأیید کرد. نتیجه این اثبات قدرت، تغییر معادلات منطقه‌ای و تقویت جایگاه مذاکراتی ایران در تعاملات آتی بود.

### کسب حمایت‌های بین‌المللی

تظاهرات ضد جنگ در شهرهای مختلف جهان از جمله اسلام‌آباد، استکهلم، لندن و برلین<sup>۱</sup>، نشان‌دهنده حمایت بین‌المللی از ایران در مقابل تجاوز بود. این حمایت‌ها فرصت مناسبی برای تقویت روابط با کشورهای دوست و ایجاد ائتلاف‌های جدید بین‌المللی فراهم کرد.

### فرصت دیپلماسی فعال

پایان جنگ با آتش‌بسی که دونالد ترامپ اعلام کرد، فرصت تازه‌ای برای دیپلماسی فعال فراهم آورد. رهبر معظم انقلاب نیز در تحلیل جنگ ۱۲ روزه خاطر نشان ساخته‌اند که «ما از همه ابزارهای لازم همچون منطق و نیروی نظامی برخورداریم و بنابراین چه در میدان دیپلماسی و چه در میدان نظامی، هر گاه وارد شویم به توفیق الهی با دست پر وارد خواهیم شد»<sup>۲</sup>. این ترکیب، زمینه‌ای برای دیپلماسی قدرت‌محور فراهم کرد.

### ۴-۲-۷. ضرورت نهادینه‌سازی فرصت‌ها: از موقت به دائم

مهم‌ترین چالش در بهره‌گیری از فرصت‌های شناسایی شده، تبدیل تجربه‌های موفق دوران جنگ به سیاست‌ها و ساختارهای پایدار است. بر اساس نظریه لاورن و سکسی، مرحله نهادینه‌سازی حیاتی‌ترین گام برای تثبیت دستاوردهای ظرفیت‌سازی محسوب می‌شود.

### ایجاد سازوکارهای پایدار

برای نهادینه‌سازی فرصت‌ها، ضروری است که سازوکارهای پایدار طراحی شوند که بتوانند دستاوردهای حاصله را در شرایط عادی نیز حفظ کند. این شامل:

- تقویت سیستم‌های پایش اجتماعی برای ردیابی مداوم سرمایه اجتماعی
- بهبود سازوکارهای پاسخ سریع به بحران‌های آتی
- ایجاد ذخایر راهبردی کافی برای تأمین نیازهای اساسی
- توسعه برنامه‌های آموزشی برای حفظ آمادگی عمومی

1. <https://www.tabnak.ir/fa/news/1312879>

2. <https://www.tabnak.ir/fa/news/1312879>

3. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=60698>

## چرخه یادگیری مداوم

فرصت دیگر، ایجاد چرخه یادگیری مداوم است که بتواند از تجربه‌های موفق و ناموفق درس بگیرد و عملکرد را بهبود بخشد. این چرخه باید شامل ارزیابی مداوم، بازخورد سیستماتیک، و بهبود مستمر باشد. تجربه جنگ ۱۲ روزه نشان داد که جامعه ایران از ظرفیت‌های استثنایی برخوردار است که در شرایط مناسب قابل فعال‌سازی است. حفظ و توسعه این ظرفیت‌ها، کلید موفقیت در مواجهه با چالش‌های آینده خواهد بود.

### ۳-۴. چالش‌ها و آسیب‌شناسی

#### ۳-۴-۱. چالش‌های ساختاری و امنیتی: نقاط ضعف آشکارشده

به‌دستاوردهای قابل توجه همبستگی اجتماعی، جنگ ۱۲ روزه نقاط ضعف جدی در ساختار دفاعی و امنیتی ایران را آشکار ساخت که نیازمند تحلیل عمیق و راهکارهای اساسی است.

#### هزینه انسانی بالا: شاخص آسیب‌پذیری

بر اساس گزارش‌های مختلف، بین ۱۰۶۲ تا ۱۱۰۰ نفر از هم‌وطنان در جنگ ۱۲ روزه به شهادت رسیدند و حدود ۵۸۰۰ نفر زخمی شدند. این آمار که عمدتاً ناشی از حملات هوایی اسرائیل با استفاده از جنگنده‌ها، پهپادها، ریزپرنده‌ها و نیز نیروهای نفوذی داخلی بود، نشان‌دهنده آسیب‌پذیری جدی سیستم‌های دفاعی و امنیتی کشور است.

تحلیل الگوی این تلفات نشان می‌دهد که فقدان سیستم‌های هشدار اولیه و عدم وجود پناهگاه‌های عمومی نقش مهمی در افزایش تلفات غیرنظامی داشته است. بسیاری از شهروندان هیچ‌گونه اطلاعات رسمی درباره نحوه رفتار در مواقع حمله دریافت نکرده‌اند. این خلأ ساختاری، شدت آسیب‌های وارده را افزایش داده است.

#### نفوذپذیری تأسیسات حیاتی

یکی از جدی‌ترین چالش‌های آشکارشده، نفوذپذیری تأسیسات هسته‌ای و دفاعی کلیدی بود. آسیب‌های وارده به مجتمع غنی‌سازی نطنز که بخش روی زمینی آزمایشگاه غنی‌سازی سوخت نابود شد، و مجتمع هسته‌ای اصفهان که چهار ساختمان مهم آن شامل آزمایشگاه شیمی مرکزی، کارخانه تبدیل اورانیوم، کارخانه تولید سوخت راکتور تهران و تأسیسات پردازش فلز اورانیوم غنی‌شده آسیب دیدند،

ضعف اساسی در پدافند غیرعامل را نشان داد.

وزیر خارجه ایران، عباس عراقچی، اعلام کرد تأسیسات هسته‌ای کشور در پی حملات اسرائیل و آمریکا دچار «صدمات خیلی سنگین و جدی شده‌اند و ظاهراً فعلاً قابل استفاده نیستند». این اظهار، عمق چالش موجود در حفاظت از تأسیسات راهبردی را آشکار می‌سازد.

### کمبود رهبری عملیاتی

ترور ۳۵ فرماندهان ارشد نظامی آز جمله سرلشکر محمد باقری رئیس ستادکل نیروهای مسلح، سردار حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سردار امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوایی سپاه و دست‌کم ۱۰ دانشمند هسته‌ای و موشکی کشور در جریان عملیات، چالش جدی امنیت پرسنل کلیدی را آشکار ساخت. این تلفات نه تنها ضربه‌ای به ظرفیت‌های عملیاتی وارد کرد، بلکه نفوذ اطلاعاتی گسترده و ضعف در سیستم‌های امنیتی را نیز نشان داد.

### ۴-۳-۲. چالش‌های زیرساختی و ارتباطی: شکست فناوری

#### فقدان سیستم‌های هشدار و پدافند غیرعامل

یکی از بارزترین چالش‌های آشکارشده، فقدان سیستم‌های هشدار پیشگیرانه و زیرساخت‌های جامع پدافند غیرعامل بود. کشور فاقد سیستم هشدار صوتی منسجم، پناهگاه‌های عمومی استاندارد، و پروتکل‌های مشخص و از پیش تعریف‌شده برای شهروندان بود که این خلأ به واکنش‌های موردی و اضطراری منجر شد. ستاد ملی مدیریت شرایط اضطراری جمعیت هلال‌احمر مجبور شد در اولین دقایق پس از حملات تشکیل شود و دستورالعمل‌های اضطراری شامل «در خانه بمانید، مگر در صورت خطر فوری» و «بدون ضرورت از خانه خارج نشوید» را به مردم ابلاغ کند.<sup>۱</sup>

این واکنش‌های پس از وقوع حادثه و ضرورت بسیج ۱۳۴ تیم و ۶۶۹ امدادگر برای پوشش بیش از ۶۰ نقطه آسیب‌دیده، نشان‌دهنده فقدان آمادگی پیشگیرانه و سیستم‌های هشدار زودهنگام بود که شهروندان را از قبل آگاه و آماده کند. عدم وجود آذیرهای هشدار سراسری، فقدان پناهگاه‌های استاندارد در مناطق مسکونی، و ضرورت ارائه دستورالعمل‌های فوری از طریق رسانه‌ها، عمق کمبودهای زیرساختی در

1. <https://snn.ir/fa/news/1280474>
2. <https://www.asriran.com/fa/news/1072090>
3. <https://www.etemadonline.com/tiny/news-718334>
4. <https://www.etemadonline.com/tiny/news-718334>

حوزه پدافند غیرعامل را آشکار ساخت.

### اختلال در ارتباطات و انزوای اطلاعاتی

قطع اینترنت بین‌المللی و محدودیت دسترسی به شبکه‌های ارتباطی خارجی علاوه بر ایجاد نگرانی عمومی، تأثیر منفی بر فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی گذاشت. این محدودیت‌ها که با هدف جلوگیری از جنگ روانی اعمال شدند، پیامدهای جانبی قابل توجهی داشتند.

#### پیامدهای اقتصادی قطع اینترنت:

- اختلال در فعالیت‌های تجارت الکترونیک
- کاهش کارآمدی سیستم‌های بانکی آنلاین
- تأثیر بر فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی
- محدودیت دسترسی به اطلاعات ضروری

#### پیامدهای اجتماعی:

- افزایش اضطراب عمومی ناشی از کمبود اطلاعات
- تضعیف ارتباطات خانوادگی و اجتماعی
- محدودیت در دسترسی به خدمات ضروری آنلاین

### نقص در زیرساخت‌های حیاتی

قطع برق در برخی مناطق، اختلال در توزیع سوخت و خدمات حمل‌ونقل عمومی، و محدودیت‌هایی در تأمین برخی کالاهای ضروری در برخی شهرها، اگرچه موردی بود و نه سیستمی، اما به هر حال نشان‌دهنده ضرورت تقویت زیرساخت‌های حیاتی و ایجاد سیستم‌های پشتیبان است. عدم پراکندگی مناسب تأسیسات حیاتی و تمرکز برخی از آنها در مناطق خاص، آسیب‌پذیری سیستم‌های کلیدی را افزایش داده بود.

### ۳-۳-۴. چالش‌های اجتماعی و نسلی: شکاف‌های درونی

#### تفاوت‌های نسلی در برداشت از بحران

به‌رغم همبستگی کلی مشاهده‌شده، تفاوت‌های نسلی در نگرش‌ها و انتظارات همچنان قابل مشاهده بود. نسل جوان که تجربه مستقیم جنگ تحمیلی را نداشت، انتظارات و نگرانی‌های متفاوتی نسبت به نسل‌های مسن‌تر داشت. برخی از جوانان بر اهمیت حفظ آرامش و پرهیز از تشدید تنش‌ها

تأکید می‌کردند، در حالی که نگرانی‌هایی درباره تأثیر طولانی‌مدت جنگ بر فرصت‌های شغلی و تحصیلی وجود داشت.

این تفاوت‌ها نشان‌دهنده عدم انتقال مؤثر تجربه تاریخی از نسل‌های مسن‌تر به جوان‌تر است. عدم مشارکت کافی جوانان در برنامه‌ریزی‌های مدنی و آمادگی برای مواجهه با بحران نیز در مشاهدات میدانی به عنوان یکی از چالش‌ها شناسایی شد.

### نابرابری‌های طبقاتی در مواجهه با بحران

تفاوت‌های طبقاتی در نحوه مواجهه با بحران مشهود بود. طبقات مرفه توانایی بیشتری برای تأمین امنیت خود، تهیه ذخایر غذایی، و خروج از مناطق پرخطر داشتند، در حالی که اقشار کم‌درآمد با محدودیت‌های بیشتری روبرو بودند. این نابرابری‌ها می‌تواند در بلندمدت به تضعیف انسجام اجتماعی منجر شود و زمینه‌ساز نارضایتی‌های اجتماعی باشد.

### ۴-۳-۴. چالش‌های اطلاعاتی و جنگ روانی: نبرد ادراک‌ها

#### مواجهه با جنگ اطلاعاتی پیچیده

یکی از جدی‌ترین چالش‌های فرهنگی، مواجهه با جنگ روانی و اطلاعاتی پیچیده متخصصان بود. انتشار اطلاعات نادرست، تحریف واقعیات، و تلاش برای تضعیف روحیه عمومی از طریق رسانه‌های خارجی و فضای مجازی، چالشی جدی محسوب می‌شد که سیستم رسانه‌های کشور را تحت فشار قرار داد.

بر اساس گزارش وال استریت ژورنال، اسرائیل «برای قاچاق مهمات و قطعات صدها پهپاد کوادکوپتر برای انجام بخشی از حمله‌های اخیر خود از داخل ایران، ماه‌ها زمان صرف کرده بود». این نفوذ اطلاعاتی عمیق، چالش جدی در حوزه امنیت اطلاعات و ضرورت بازنگری اساسی در سیستم‌های امنیتی را آشکار ساخت.

#### ضعف در تولید محتوای مقابله‌ای

ضعف در تولید محتوای مناسب برای مقابله با تبلیغات دشمن و ارائه روایت صحیح از وقایع نیز به عنوان یکی از چالش‌های مهم شناسایی شد. رسانه‌های رسمی در اغلب موارد توفیق‌چندانی در جلب توجه مخاطبان جوان و ارائه تحلیل‌های قانع‌کننده نداشتند. این ضعف، امکان نفوذ پیام‌های مخرب را

<sup>1</sup>. <https://www.wsj.com/livecoverage/israel-iran-strike-conflict/card/how-israel-s-spy-agency-smuggled-drone-parts-to-attack-iran-from-within-iAVI6X0PoLHB1xlqKNnX>

افزایش داد.

#### ۴-۳-۵. چالش‌های سیاسی و خطر سیاسی کاری: تهدید درونی

##### خطر ابزاری‌سازی همبستگی

یکی از مهم‌ترین چالش‌های شناسایی شده، خطر سیاسی کاری و ابزاری‌سازی همبستگی حاصله است. استفاده نادرست از این سرمایه اجتماعی می‌تواند نه تنها به تضعیف آن منجر شود، بلکه اعتماد عمومی را نیز تحت تأثیر قرار دهد. رهبر انقلاب در بیاناتشان بر ضرورت حفظ اتحاد ملی تأکید کردند و هشدار دادند که تبیین باید هوشمندانه و متعهد به وحدت ملی باشد.

##### خطر غلیظ‌سازی اختلاف‌نظرها

یکی از جدی‌ترین چالش‌های سیاسی شناسایی شده، خطر غلیظ کردن اختلاف‌نظرها و تشدید جناح‌بندی‌هاست که مقام معظم رهبری نیز پس از پایان جنگ ۱۲ روزه نسبت به آن هشدار دادند. این هشدار نشان‌دهنده آگاهی عمیق از شکنندگی همبستگی حاصله و امکان سوءاستفاده از فضای وحدت ملی است. خطر اصلی در این زمینه، احتمال استفاده ابزاری از همبستگی ملی برای محدودسازی انتقادات سازنده، تنگ کردن فضای سیاسی، و تبدیل اجماع موقت به وسیله‌ای برای خفه کردن مخالفان است.

علاوه بر این، یکی از مهم‌ترین چالش‌های بنیادی، ماهیت موقتی و واکنشی همبستگی حاصل از بحران است که قابلیت پایداری در بلندمدت را زیر سؤال می‌برد. تجربه نشان می‌دهد که همبستگی‌های ناشی از تهدیدات خارجی معمولاً دارای ویژگی کوتاه‌مدت بوده و پس از فروکش کردن احساس خطر فوری، تحت تأثیر بازگشت فشارهای روزمره اقتصادی و احیای اختلافات سیاسی و اجتماعی داخلی قرار می‌گیرند. این چالش اساسی مطرح می‌کند که آیا اتحاد و انسجام مشاهده‌شده در دوران جنگ ۱۲ روزه قابلیت تبدیل به ساختاری پایدار و نهادینه را دارد یا صرفاً واکنشی موقت محسوب می‌شود که با عادی‌سازی شرایط و بروز مجدد تضادهای معمول اجتماعی تضعیف خواهد شد.

ترکیب این دو چالش - خطر غلیظ‌سازی اختلافات و ماهیت گذرای همبستگی بحرانی - زمینه‌ای برای بروز تنش‌های سیاسی جدی فراهم می‌کند. عدم توجه به این واقعیات و فقدان سازوکارهای مناسب برای مدیریت متعادل همبستگی حاصله، می‌تواند فرصت‌های ارزشمند این تجربه را تبدیل به یک دستاورد گذرا کند که در نهایت نه تنها به حالت اولیه بازگردد، بلکه احتمالاً تضادها را حادث‌تر نیز سازد.

#### ۴-۳-۶. ضعف در سازوکارهای نهادینه‌سازی: از تجربه به ساختار

##### فقدان چارچوب‌های نهادی مناسب

یکی از نقاط ضعف مهم، عدم وجود ساختارهای مناسب برای نهادینه‌سازی دستاوردهای حاصله است. بر اساس نظریه لاورن و سکسی، مرحله نهادینه‌سازی حیاتی‌ترین گام برای تثبیت دستاوردهای ظرفیت‌سازی است، اما سازوکارهای موجود برای تبدیل تجربه‌های موفق به ساختارهای پایدار ناکافی است.

##### نقایص شناسایی‌شده:

- عدم وجود پروتکل‌های مشخص برای همکاری میان بخش دولتی و غیردولتی در شرایط بحران
- ضعف در سیستم‌های پایش و ارزیابی مداوم عملکرد
- نبود زیرساخت‌های لازم برای حفظ و انتقال دانش حاصله
- فقدان سازوکارهای بازخورد از تجربه‌های مردمی

##### چالش تداوم انگیزه

حفظ انگیزه مشارکت مردمی در شرایط عادی، یکی از چالش‌های اساسی است. تجربه نشان می‌دهد که انگیزه‌های ناشی از بحران معمولاً موقتی هستند و برای تداوم مشارکت فعال نیاز به سازوکارهای تشویقی و بازخورد مثبت است که فعلاً کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

#### ۴-۳-۷. راهکارهای مواجهه با چالش‌ها: از تشخیص به درمان

##### راهکارهای کوتاه‌مدت (فوری)

بهبود فوری سیستم‌های آمادگی عمومی شامل:

- استقرار سیستم هشدار صوتی در تمام شهرها
- برگزاری دوره‌های آموزشی منظم برای شهروندان درباره نحوه رفتار در شرایط اضطراری
- ایجاد پناهگاه‌های موقت در ساختمان‌های عمومی
- تقویت برنامه‌های آموزش شهروندی با تأکید بر مسئولیت‌های اجتماعی

##### راهکارهای میان‌مدت (ساختاری)

طراحی سیستم جامع آمادگی ملی شامل:

- توسعه زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی برای حفظ انسجام
  - تقویت نهادهای مدنی با تأکید بر ظرفیت‌سازی محلی
  - ایجاد سازوکارهای مشارکت پایدار شهروندان در تصمیم‌گیری‌های امنیت ملی
  - تقویت گسترده پدافند غیرعامل از طریق پراکندگی تأسیسات حیاتی
- راهکارهای بلندمدت (استراتژیک)

تحول بنیادی در رویکرد امنیتی شامل:

- بازطراحی شهری با رویکرد دفاعی و تاب‌آوری
- توسعه فناوری‌های بومی پدافند غیرعامل
- ایجاد صنایع راهبردی با قابلیت انتقال سریع
- نهادینه‌سازی فرایندهای یادگیری جمعی

۴-۴. جمع‌بندی تحلیلی: درس‌های آموخته

تحلیل جامع چالش‌های شناسایی شده نشان می‌دهد که جنگ ۱۲ روزه علاوه بر آشکارسازی ظرفیت‌های مهم اجتماعی، چالش‌های جدی را نیز روشن ساخته که مدیریت آنها برای حفظ و تقویت دستاوردها ضروری است.

درس اصلی: همبستگی اجتماعی به تنهایی کافی نیست و باید با آمادگی ساختاری، تجهیزات فنی مناسب، و سازوکارهای نهادی کارآمد همراه شود. شناسایی زود هنگام چالش‌ها و طراحی راهکارهای جامع برای مواجهه با آنها، کلید موفقیت در تبدیل تجربه جنگ ۱۲ روزه به فرصت تحول و بهبود خواهد بود. در حقیقت، وحدت واقعی نه در جنگ، بلکه در صلح و همکاری ساخته می‌شود. بنابراین تنها از طریق ایجاد ساختارهای عادلانه و مشارکتی می‌توان انسجام ملی را به پدیده‌ای پایدار تبدیل کرد.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

یافته‌های پژوهش به طور قطعی و جامع فرضیه محوری تحقیق را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل، فراتر از یک رویداد نظامی، آزمایشگاه طبیعی و بی‌نظیری برای کشف ساختارهای عمیق همبستگی اجتماعی و ظرفیت‌سازی ملی در جامعه ایرانی محسوب می‌شود. تحلیل جامع داده‌ها و شواهد حاکی از آن است که تهدید خارجی از طریق سه مکانیسم کلیدی و به هم پیوسته

عمل کرده است: فعال‌سازی فوری و گسترده وجدان جمعی دورکیمی که توانست طیف‌های سیاسی متضاد را از مهدی کروبی و زهرا رهنورد تا محافظه‌کاران در یک جبهه متحد کند، تحول بنیادی ساختار فرصت‌های سیاسی که زمینه‌ای برای ظهور ائتلاف‌سازی فرا جناحی فراهم آورد، و فرایند شتابان ظرفیت‌سازی اجتماعی که منابع نهفته جامعه را به نیروی فعال و سازمان‌یافته تبدیل ساخت.

پژوهش، سه دستاورد نظری برجسته و قابل‌تعمیم ارائه می‌دهد که چارچوب‌های موجود جامعه‌شناسی سیاسی را غنی می‌سازد. نخست، اثبات قابلیت همزیستی و تقویت متقابل همبستگی مکانیکی و آلی در جوامع پیچیده معاصر که دیدگاه کلاسیک دورکیم را به چالش می‌کشد و نشان می‌دهد عناصر هویتی و عاطفی مشترک می‌توانند بر تفاوت‌های ساختاری غلبه کنند. دوم، تطبیق موفقی نظریه ساختار فرصت‌های سیاسی در شرایط تهدید تمدنی که آشکار ساخت چگونه بحران‌های کلان می‌توانند در مدت زمان کوتاه ساختارهای سیاسی-اجتماعی را دگرگون سازند و امکان شکل‌گیری همبستگی فراگیر را فراهم آورند. سوم، ارائه الگوی نوین ظرفیت‌سازی اجتماعی در شرایط بحران که چهار فرایند شناسایی، بسیج، یادگیری و نهادینه‌سازی را در بستر فرهنگی ایرانی عملیاتی کرده و قابلیت کاربرد در سایر بافت‌های فرهنگی را دارد.

از منظر کاربردی و عملیاتی، تحقیق حاضر آشکار ساخت که جامعه ایران از ذخایر استثنایی و عمیق انسجام اجتماعی برخوردار است که در شرایط تهدید خارجی نه تنها قابل‌فعال‌سازی است، بلکه قدرت تحول‌آفرینی قابل‌توجهی دارد. شاهد این مدعا، همکاری گسترده مردم با سامانه ۱۱۰ و گزارش فعالیت‌های مشکوک که منجر به شناسایی و دستگیری تعداد قابل‌توجهی از نفوذی‌ها و کشف مواد منفجره شد، احیای قدرتمند نمادهای ملی ایرانی همچون سرود «ای ایران» و شیر ایرانی در کنار هویت مذهبی، و تاب‌آوری اجتماعی در شرایط قطع ارتباطات بین‌المللی است. همچنین، عملکرد مطلوب سیستم‌های اقتصاد مقاومتی، شبکه‌های توزیع کالاهای اساسی، و سازوکارهای حمایت اجتماعی گواهی بر کارآمدی ساختارهای بومی و مقاوم ایرانی است.

با این وجود، پژوهش حاضر چالش‌ها و محدودیت‌های جدی را نیز شناسایی کرده که نادیده گرفتن آنها می‌تواند دستاوردهای حاصله را تهدید کند. تلفات سنگین انسانی که حدود ۱۱۰۰ شهید و حدود ۵۸۰۰ مجروح برجا گذاشت، آسیب‌های ساختاری به تأسیسات هسته‌ای کلیدی نظیر نطنز و اصفهان، ضعف‌های آشکار شده در سیستم‌های پدافند هوایی و پدافند غیرعامل تأسیسات حیاتی، نقایص جدی در سیستم‌های هشدار اولیه و ارتباطات اضطراری، تمرکز مخرب تأسیسات استراتژیک که آسیب‌پذیری سیستم‌ها را افزایش

داده بود، و تفاوت‌های نسلی در نگرش به بحران و انتظارات از دولت، همگی نشان‌دهنده لزوم بازنگری ساختاری و بهبود عمیق سیستم‌های مختلف کشوری است. علاوه بر این، خطر سیاسی کاری و ابزاری‌سازی همبستگی حاصله، ضعف در سازوکارهای نهادینه‌سازی دستاوردها، و فقدان پروتکل‌های مشخص برای همکاری پایدار میان بخش‌های دولتی و غیردولتی، چالش‌های عمده‌ای محسوب می‌شوند که مدیریت نامناسب آنها می‌تواند فرصت‌های طلایی فعلی را تبدیل به تهدیدات آتی کند.

بر این اساس، پیشنهادت راهبردی تحقیق در سه افق زمانی تعریف می‌شوند. در کوتاه‌مدت، اولویت با بهبود فوری سیستم‌های آمادگی عمومی از طریق استقرار سیستم‌های هشدار صوتی در تمام شهرها، طراحی و اجرای برنامه‌های آموزش شهروندی ویژه نسل جوان در حوزه مقابله با تهدیدات، تقویت کیفیت ارتباطات دولت-ملت از طریق کانال‌های اطلاع‌رسانی شفاف و قابل اعتماد، ایجاد پروتکل‌های شفاف برای مدیریت اطلاعات در شرایط بحران، و استقرار سیستم‌های هشدار اولیه کارآمد که بتواند در کمترین زمان ممکن مردم را از تهدیدات آگاه سازد، است. در میان‌مدت، توسعه جامع زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی که قابلیت حفظ انسجام در شرایط عادی را داشته باشند، تقویت نهادهای مدنی با تأکید بر ظرفیت‌سازی محلی و تقویت سرمایه اجتماعی در سطح محله‌ای، ایجاد سازوکارهای مشارکت پایدار شهروندان در تصمیم‌گیری‌های امنیت ملی که فراتر از شرایط بحران باشد، و توسعه گسترده پدافند غیرعامل از طریق پراکندگی هوشمندانه تأسیسات حیاتی، تنوع‌بخشی به منابع انرژی و ارتباطات، طراحی شهری با رویکرد دفاعی، و ایجاد سیستم‌های پشتیبان چندگانه ضروری است. در بلندمدت، طراحی و پیاده‌سازی سیستم جامع آمادگی ملی و پدافند غیرعامل که شامل هماهنگی کامل میان تمام دستگاه‌های مرتبط، تعریف دقیق نقش‌ها و مسئولیت‌ها، ایجاد زنجیره فرماندهی واحد و کارآمد در شرایط بحران، پراکندگی استراتژیک تأسیسات حیاتی در سراسر کشور، توسعه شبکه‌های ارتباطی مستقل و مقاوم، ایجاد مراکز تولید و تأمین چندگانه برای کالاهای ضروری، بازطراحی شهری با رویکرد دفاعی و تاب‌آوری، توسعه فناوری‌های بومی پدافند غیرعامل، و نهادینه‌سازی فرایندهای یادگیری جمعی باشد، حیاتی محسوب می‌شود.

مطالعه حاضر با محدودیت‌هایی مواجه بوده که باید در تفسیر نتایج لحاظ شوند. فاصله زمانی نسبتاً کوتاه از وقوع رویداد، تکیه عمده بر منابع اسنادی و عدم امکان انجام مصاحبه‌های عمیق با بازیگران اصلی، و محدودیت دسترسی به برخی اسناد و گزارش‌های تفصیلی از جمله این محدودیت‌ها هستند. همچنین، تحلیل اثرات بلندمدت این رویداد نیازمند گذشت زمان بیشتر و مطالعات پیگیری است. بر این اساس،

پیشنهادات برای تحقیقات آتی شامل بررسی تأثیرات بلندمدت این تجربه بر ساختارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران از طریق مطالعات طولی، تحلیل مقایسه‌ای با تجربه‌های مشابه تاریخی در ایران و سایر کشورها، مطالعه عمیق‌تر نقش تفاوت‌های نسلی، طبقاتی و قومی در شکل‌گیری همبستگی اجتماعی از طریق روش‌های کیفی مشارکتی، انجام مطالعات کیفی گسترده شامل مصاحبه‌های عمیق، تاریخ شفاهی، و تحلیل روایت‌های شخصی برای درک ژرف تجربیات فردی و جمعی، ارزیابی کارآمدی سیاست‌های مختلف اتخاذشده در طول بحران و اثربخشی آنها، و بررسی مقایسه‌ای فرایندهای ظرفیت‌سازی اجتماعی در شرایط مختلف بحران، است.

در نهایت، یافته‌های این تحقیق حکایت از آن دارد که جامعه ایران، علی‌رغم چالش‌ها، تنش‌ها و تعارضات موجود، از ظرفیت‌های استثنایی و منابع عمیق انسجام، همبستگی و تاب‌آوری برخوردار است که در شرایط تهدیدهای تمدنی قابلیت فعال‌سازی سریع، بسیج گسترده، و تبدیل به نیروی محرک مثبت برای دفاع، توسعه و تقویت کشور را دارد. تجربه جنگ ۱۲ روزه اثبات کرد که وحدت ملی در ایران نه یک مفهوم انتزاعی، بلکه واقعی عملی و قابل دستیابی است که ریشه در بستر عمیق فرهنگی، تاریخی و هویتی این سرزمین دارد. شناخت علمی، حفظ هوشمندانه، بهره‌برداری متعادل و نهادینه‌سازی اثربخش از این ظرفیت‌های استراتژیک، نه تنها کلید موفقیت در مواجهه با تهدیدها و چالش‌های آینده، بلکه مبنای اساسی دستیابی به اهداف توسعه پایدار، عدالت اجتماعی و تمدن‌سازی نوین ایرانی-اسلامی محسوب می‌شود. مدیریت آگاهانه، مسئولانه و اخلاق‌محور همبستگی حاصله و تبدیل دروس آموخته‌شده به ساختارها، سیاست‌ها و برنامه‌های عملیاتی، تضمین‌کننده تبدیل این تجربه تلخ و پرهزینه به فرصتی بی‌نظیر و تاریخی برای تحکیم بنیان‌های استقلال، امنیت، توسعه و شکوفایی همه‌جانبه جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

## منابع

- ایمانی، بهرام؛ عیسی‌نژاد، سیدمحمد و اسدی، سارا (۱۳۹۴). تبیین نقش گردشگری مناطق جنگی در انسجام و وحدت اقوام ایرانی، هشتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران همدلی اقوام ایرانی انسجام و اقتدار ملی، سندج، <https://civilica.com/doc/433214>
- حسینی، محمدرضا و حسینی، سید امین. (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر همبستگی: مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه آزاد شوشتر. سومین کنفرانس ملی جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی. ذاکری، آرمان. (۱۴۰۱). همبستگی اجتماعی مهم‌ترین مسأله امروز ایران. انجمن جامعه‌شناسی ایران. ذاکری، علیرضا. (۱۴۰۱). «همبستگی» در ایران معاصر: تاریخ یک مفهوم (از دوره مشروطه تا انقلاب ۱۳۵۷). مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۸(۶۸)، ۷۵-۴۳.
- رستگار خالد، امیر، محمدی، میثم و اسماعیلی‌یگی، معصومه. (۱۳۹۳). ارتباط احساس محرومیت نسبی با همبستگی اجتماعی بین جوانان شهر تهران. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۳(۳)، ۴۹۵-۴۷۳.
- عزت‌اللهی نژاد، طیبه (۱۳۹۹). جنگ‌نگاری (زیبایی‌شناسی و معناشناسی نامه‌های رزمندگان ایرانی جنگ ایران و عراق). جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، ۱۲(۲)، ۶۹-۹۶.
- کسرابی، محمدرسالار و موسوی، سید رحیم. (۱۳۹۱). انقلاب و جنگ ایران و عراق. پژوهشنامه متین، ۱۵(۵۸)، ۹۳-۱۱۴.
- محرابی، علیرضا؛ فرش‌چین، سروش و جوفار، محمدرضا (۱۴۰۲). انسجام سرزمینی و ادراک ژئواستراتژیک ایران به عراق. پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، ۲۸(۲)، ۲۰۹-۲۲۷.
- Ahumada, G., Cantillan, R., & Jara, B. (2024). *Social Capital and Individual Well-Being in the Post-Disaster Period: The Case of Hurricane Maria in Puerto Rico. International Journal of Disaster Risk Reduction, 103, 104308.*
- Aldrich, D. P., & Meyer, M. A. (2015). *Social Capital and Community Resilience. American Behavioral Scientist, 59(2), 254-269.*
- Carmen, E., Fazey, I., Ross, H., Bedinger, M., Smith, F. M., Prager, K., ... & Morrison, D. (2022). *Building Community Resilience in a Context of Climate Change: The Role of Social Capital. Ambio, 51(6), 1371-1387.*
- Chaskin, R. J. (2001). *Building Community Capacity: A Definitional Framework and Case Studies from a Comprehensive Community Initiative. Urban Affairs Review, 36(3), 291-323.*

- Durkheim, E. (1893). *The Division of Labor in Society*. Free Press.
- Durkheim, E. (1897). *Suicide: A Study in Sociology*. Free Press.
- Eisinger, P. K. (1973). *The Conditions of Protest Behavior in American Cities*. *American Political Science Review*, 67(1), 11-28.
- Gil-Rivas, V., & Kilmer, R. P. (2016). *Building Community Capacity and Fostering Disaster Resilience*. *Journal of clinical psychology*, 72(12), 1318-1332.
- Johnson, P., Brookes, M., Wood, G., & Brewster, C. (2017). *Legal Origin and Social Solidarity: The Continued Relevance of Durkheim to Comparative Institutional Analysis*. *Sociology*, 51(3), 646-665.
- Kriesi, H. (1995). *The Political Opportunity Structure of New Social Movements: Its Impact on Their Mobilization*. University of Minnesota Press.
- Lavergne, R., & Saxby, J. (2001). *Capacity development: Vision and implications*. *Capacity Development Occasional Series*, 3, 1-11.
- McAdam, D., Tarrow, S., & Tilly, C. (2001). *Dynamics of Contention*. Cambridge University Press.
- Mishra, C., & Rath, N. (2020). *Social Solidarity During a Pandemic: Through and beyond Durkheimian Lens*. *Social Sciences & Humanities Open*, 2(1), 100079.
- UNDRR (2020). *The Sendai Framework Terminology on Disaster Risk Reduction*. "Capacity". <https://www.undrr.org/terminology/capacity>